۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

به نام خدا

پیشگفتار

درس عربی، درسی است که اغلب داوطلبان کنکور توجه کمتری به آن دارند و تعدادی به دلیل اینکه احساس می کنند این درس نیاز به مطالعه زیاد دارد به طور کلی بی خیال آن می شوند!عربی به عنوان یک درس عمومی برای همه گروههای آزمایشی ضریب (۲) دارد. میانگین نمره درس عربی قبول شدگان کنکور در گروه ریاضی ۱۸/۳۸ درصد، تجربی ۱۵/۰۶ درصد، انسانی ۱۲/۳۲، هنر ۸/۹۲ و زبان های خارجی ۲۰/۰٤ درصد است. درس عربی پایین ترین نمره را در میان دروس عمومی دارد. ولی در گروه زبان خارجی و تا حدی علوم تجربی رقابت در این درس جدی تر و حتی شدیدتر از درس ادبیات است. نکته جالب در مورد درس عربی آن است که این درس هر چند نسبت به درسهای ادبیات و معارف ضریب کمتری دارد، اما به علت ضعف عمومی داوطلبان، هر نمره آن به مقدار بیشتری نمره تراز شما را افزایش می دهد.

در این جزوه سعی کردم تجربیات و خلاصه نویسی های شخصی خودم را با شما داوطلبان عزیز به اشتراک بگذارم مخصوصا با آن دسته از داوطلب هایی که درصد های پایین دارند و به نوعی از کسب نمره بالا در این درس نا امید اند! تهیه و مرور این جزوه باعث شد من درصد عربی خودم را (۱۰۵درصد) افزایش بدهم!وقتی من توانستم چرا شما ها نتونید. من هم مثل شما دانش آموز بودم تازه از اون دسته ای که فقط سال آخر رو جدی گرفتند و تو سه سال قبل پیش دانشگاهی خیلی تلاشی برای کنکور نکرده بودند. شما هم اگه اراده کنین می تونید درصد (۱٦-) به (۸۹.۱٤) تبدیل کنید.

و اما راز پیشرفت با همچین شیبی چیست؟ جواب خیلی سادست. استمرار و امید! شما باید هر هفته خلاصه نویسی خود را تکمیل و آن را مرور کنید. نباید نگران درصد های امروز خود باشید شما چندین ماه فرصت دارید تا به ایده‌آل خود در کنکور سراسری برسید فقط کافیه در این مدت از راه درست منحرف نشوید. به برنامه ریزی خود مقید باشید، مطمئنا شما در چند هفته نخست تفاوت بزرگی حس نخواهید کرد و این استمرار در این روند است که باعث پیشرفت شما می شود. قرار نیست هر هفته زمان زیادی بگذارید مهم این است که هر هفته زمان بگذارید. مرور مستمر و خلاصه برداشتن از نکات جدید باعث می شود درصد شما پیشرفت قابل توجه ای داشته باشد

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

باور داشته باشید «هر آنچه را که شما به وضوح تصور می کنید، مشتاقانه آرزو می کنید،خالصانه به آن اعتقاد دارید و با شور شوق بر اساس آن عمل می کنید ... به ناچار باید اتفاق بیافتد.»

تقدیر و تشکر

از مادر عزیزم سپاسگزارم به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در سردترین روزگاران بهترین پشتیبانمن بود.

تشکر میکنم از تمام دبیران و مشاورانی که من رو در موفقیت در این درس و کنکور راهنمایی کردند.

و تشکر ویژه دارم از موسسه آموزشی ونوس که زحمت تهیه و پخش مطالب این چنینی را برای پیشرفت داوطلبان با انگیزه، بدون هیچ چشم داشتی بر عهده می گیرند.

شهریور ۹۵

امیر رمضانی

@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )

عربی تقریب و ترجمه

شیوه ی پاسخگویی تست ابعاد

ابتدا به صورت سوال کاری نداریم
با به ع گزینه همزمان بررسی شود و تفاوت ها را مواجهم به صورت سوال بررسی می کنیم
تفاوت ها:
- فعل (زمان ، مصدری بودن حد المقدور مصدر ترجمه شود)
- جمع و مفرد
- معرفه و نکره
- رعایت درست ترکیب های اضافی و وصفی
- ضمیر

شیوه پاسخگویی به تعیین الصحیح یا عین الخطأ

توجه به علامت آخر جملات (.) یا (!)
قسمت های کوتاه جدا می کنیم و بررسی می کنیم
خودمان ترجمه می کنیم

امیر رمضانی
۹۵/۶/۳۱

زمان فعل ها

ماضی نقلی
قد + ماضی — قد عَلِمَ : دانسته است
ماضی ساده ، ماضی نقلی می تواند به جای هم به کار بروند
* نکته « قد + مضارع معنی گاهی را به جمله اضافه می کند »

ماضی استمراری
کان + مضارع — کنتُ أعلمُ : یاد می دادم

ماضی بعید
کان + ماضی — کانت [قد] تعلمت : یاد گرفته بود

آینده
سـ / سوف + مضارع — سیکتبُ / سوف یکتبُ : خواهد نوشت

امر
حاضر (مخاطب) — اُنظُر : نگاه کن
غایب (غایب و متکلم) — لِتکتبْ : باید بنویسیم — لِ + مضارع

مضارع التزامی
برخی حروف ناصبه « أن - لِ - کی - لِکی - حتی » + مضارع منصوب — حتی یرجعَ : تا برگردد
فعل شرط هم مضارع هم ماضی « إن - مَن - ما - أینما - متی ما »
* نکته « جواب شرط همواره مضارع اخباری ترجمه می شود
إذا = هرگاه مانند ادات شرط است — إذا دَرَسَ ینجح : هرگاه درس بخواند موفق می شود
فعل مضارع پس از « لعل ولیت » لعلکم ترحمون : شاید مورد رحمت قرار گیرید
فعل مضارع پس از اسم موصول خاص و عام (من و ما)
الذی من یغیر بالضارب : فاعل کسی است که از تجربه ها عبرت بگیرد

امیر رمضانی
@venustops
PdPCO

Subject:
Year. Month. Date. ( )

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

فعل منفی
- ماضی منفی ← ما + ماضی — ما کَتَبَ : ننوشت
  لم / لمّا + مضارع مجزوم — لم یَکْتُبْ
- مضارع منفی ← لا + مضارع — لا یَکتُبُ : نمی نویسد
- مستقبل منفی ← لَنْ + مضارع منصوب — لن یَکتُبَ : [هرگز] نخواهد نوشت
- امر منفی (نهی) ← لا + مضارع مجزوم — لا تَکْتُبْ : نویس — لا نَکْتُبْ : نباید بنویسیم
- ماضی نقلی منفی ← لم / لمّا + مضارع مجزوم — لَمّا یَکْتُبْ : نوشته است [هنوز]
- ماضی استمراری منفی ← با کان یا فعل مضارع را منفی می کنیم — ما کان یَکتُبُ / کان لا یَکتُبُ : نمی نوشت
- ماضی بعید منفی ← با کان یا فعل ماضی را منفی می کنیم — ما کان کَتَبَ / کان ما کَتَبَ : نوشته بود

- لمّا همانی که بر سر فعل ماضی یا مضارع که مجزوم نشده بیاید به معنی هنوز است و معکوس میشود. لما و عمل: هنوز درگیر
- ان نَ و نِ به معنای همان و چیز / و می توانند ترجمه نشوند
- هناک به معنای آنجا اگر در ابتدای جمله اسمیه بیاید معنا به وجود دارد می دهد
- در بحث نکره و معرفه باید دقت شود «ی» مبانی یا «ی» نکره اشتباه نشود
- چنان چه در یک جمله اسمیه خبر مفرد بدون صفت آمده باشد اگر نکره باشد معرفه ترجمه می شود
- اگر بلافاصله بعد از یک اسم ال دار یک اسم موصول جامع بیاید اسم ال دار غالباً نکره ترجمه می شود
- اگر در جمله اسمیه خبر مفرد بدون صفت و جمع باشد مفرد ترجمه می شود — هم مفعولون : ایشان معلم هستند
- چنان چه پس از هذه و تلک یک اسم جمع غیر عاقل و بدون ال بیاید اسم اشاره به صورت جمع ترجمه می شود تلک حقائق : آن حقایق هستند

مفهوم داشتن
- حال ← لی کِتابٌ : عندی کِتابٌ — کتاب دارم
  ما / لیس لی کِتابٌ : ما لیس عندی کِتابٌ : کتاب ندارم
- گذشته ← کان لی کِتابٌ : کان عندی کِتابٌ : کتاب داشتم
  ماکان لی کِتابٌ : لم یکن عندی کِتابٌ : کتاب نداشتم

امیر رضا مضانی
@venustops

Subject:
Year. Month. Date. ( )

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

کُل
+ اسم مفرد نکره ← هر — کل تلمیذ: هر دانش آموزی
+ اسم مفرد معرفه ← همه تمام سراسر — کل الکتاب: همه ی کتاب
+ اسم جمع معرفه ← همه — کل الطلاب: همه دانش آموزان
+ مِن + جمع ← هریک — کل من المعلمین: هریک از معلم ها

مضموم با لام
لِـ + مضارع مجزوم (غایب و متکلم) — لیذهب: باید برود
علی + اسم یا ضمیر متصل + اَن + مضارع منصوب — علیک اَن تذهب: تو باید بروی
یَجِبُ + [علی + اسم یا ضمیر متصل] + اَن + مضارع منصوب — یجب [علینا] اَن نذهب: ما باید برویم

عبارت های دو فعلی
ماضی + ماضی ← فعل ۲ ماضی بعید — رأیتُ تلمیذاً قَرَأَ درسه — من دیده بودم
ماضی + مضارع ← فعل ۲ ماضی استمراری — رأیتُ تلمیذاً یَقرَأُ درسه — می خواند
مضارع + مضارع ← فعل ۲ مضارع اخباری — أری تلمیذاً یَقرَأُ درسه — ...
مضارع + ماضی ← فعل ۲ ماضی نقلی — أری تلمیذاً قَرَأَ درسه — ... است

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

شیوه ی پاسخگویی به تست های شکل

برای حل این تست ها نیازی به خواندن متن نیست
با صورت سوال کاری نداریم و ابتدا سراغ مقایسه حرکت گذاری در
گزینه ها می گردیم
سپس با مراجعه به صورت سوال گزینه ی غلط را رد می کنیم

تنوین

یک اسم مجرور اگر «مثنی، غیرمصروف، مثنی، جمع مذکر سالم» نباشد و همراه نشانه ی زیر آید

۱- ال ۲- تنوین ۳- مضاف بودن

قواعد ترکیب اضافی

مضاف نمی تواند تنوین بگیرد
مضاف الیه همواره مجرور است
مضاف و مضاف الیه هرچند اسم اند و همواره کنار هم می آیند
مضاف نه تنوین می گیرد نه ال
اسم اشاره، اسم موصول و ضمیر نمی توانند مضاف واقع شوند

شناخت وزن باب های ثلاثی مجرد

شناخت اسم غیرمصروف

اسم غیرمصروف اگر ال نداشته و مضاف نباشد در حالت جری به جای کسره فتحه می گیرد
اسم علم مونث ← آناهیتا، همیره
اسم شهرها، کشورها، رودها، کوه ها ← بلخ، پنجاب، دنبا، اهواز
اسم علم غیر عربی ← داریوش، ابراهیم
اسم پیامبران به جز «محمد، صالح، شعیب، نوح، هود، لوط، شیث»
اسم با صفت بر وزن أفعل ← أحمد، أحسن، أفضل
جمع بر وزن مفاعل و مفاعیل ← مساجد، شیاطین، دراهم
اسم مختوم به ه ی الف مقصوره زائد ← کبری، دنیا
اسم مختوم به الف ممدوده زائد ← زهراء، صحراء، صفراء، آبیاء
صفت مختوم به ان زائد ← رحمان، عطشان، حیران، جوعان

نکات پرکاربرد در تست های حرکت گذاری

شناخت حروف جر (چه کارهایی کنند؟) ← رُبَّ، من، فی، الی، علی، عن، حتی، ب، ل، ک، و (قسم)، منذ، مذ
شناخت حروف عطف (چه کارهایی) ← وَ، فَ، ثُمَّ، بل، او، أم (یا)، لکن، لا
شناخت حروف ناصبه ← می توانند با حروف عطف چندین فعل را منصوب کنند (فعل مضارع منصوب می کنند)
أن، لن، إذن، لکی، کی، حتی
شناخت حروف جازمه ← لم، لما، لا (امر)، لا (نهی) ← فعل مجزوم
شناخت ادات شرط ← إن، من، ما، أینما، متی ما ← مفعولا در فعل را مجزوم می کنند
شناخت افعال ناقصه ← خبر را منصوب می کنند ← کان، صار، لیس، أصبح، مادام، مازال
شناخت حروف مشبه بالفعل ← مبتدا را منصوب می کنند إنَّ اللهَ ← إنَّ، أنَّ، کأنَّ، لیت، لکنَّ، لعلَّ
شناخت توابع (صفت) ← صفت ← معطوف ← بدل ← تابع اسم ← بلافاصله بعد از اسم می آید
شناخت حالت های جر ← مضاف الیه ← مجرور ← حرف جر ← تابع اسم

امیر رمضانی
@venustops

Subject:
Year. Month. Date. ( )

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

شیوه‌ی پاسخگویی به تست‌های تجزیه تحلیل عبارتی

سمت راست

اگر اسم بود موارد بررسی شود:
- جامد یا مشتق
- معرفه یا نکره
- منصرف یا ممنوع من الصرف

اگر فعل بود موارد بررسی شود:
- ثلاثی مجرد یا مزید
- صحیح / مهتل / مهموز / مضاعف (چی‌اند؟)
- معرب یا مبنی
  - ۱۴ صیغه‌ی ماضی
  - ۶ و ۱۲ مضارع
  - ۶ صیغه امر حاضر

نکته: «مبنی للمجهول و مبنی للمعلوم هیچ ربطی به معرب و مبنی ندارد»

سمت چپ

برای بررسی این قسمت اول گزینه‌ها را می‌گیرم اگر نسبت داشت از روش گزینه‌ی غلط را رد می‌کنم

نکات

عبارت جمله فعلیه برای فعل‌ها همیشه درست دیگر برای افعال ناقصه که همیشه غلط

عبارت فعل و فاعل به معنای آن است که فاعل اسم ظاهر نیست

هر فعلی دارای ضمیر بارز بود فاعلش حتماً همان ضمیر است

صیغه‌ی ۷، ۱۳، ۱۴ واجب الاستتار هستند یعنی فاعلشان حتماً ضمیر مستتر است

چنان که اسم ظاهر به عنوان فاعل معرفی شد یا شبه جمله از مراجعه به متن آن‌ها از نظر تطابق جنس مقایسه می‌کنیم

قواعد فاعل = قواعد نائب فاعل = قواعد اسم افعال ناقصه

یک فعل نمی‌تواند خبر مفرد باشد زیرا خبر مفرد فقط اسم است

یک فعل و یا یک اسم به تنهایی نمی‌تواند خبر مقدم باشد زیر خبر مقدم شبه جمله است

روش حل ۴ تست مفهومی

ویژگی جامع

سوالات مرتب‌سازی که معمولاً با کلیه بر ترجمه دقیق قابل حل‌اند

سوالات عین الصحیح و خطاء در بیشتر موارد با ترجمه‌ی دقیق و کف شعور قابل حل‌اند

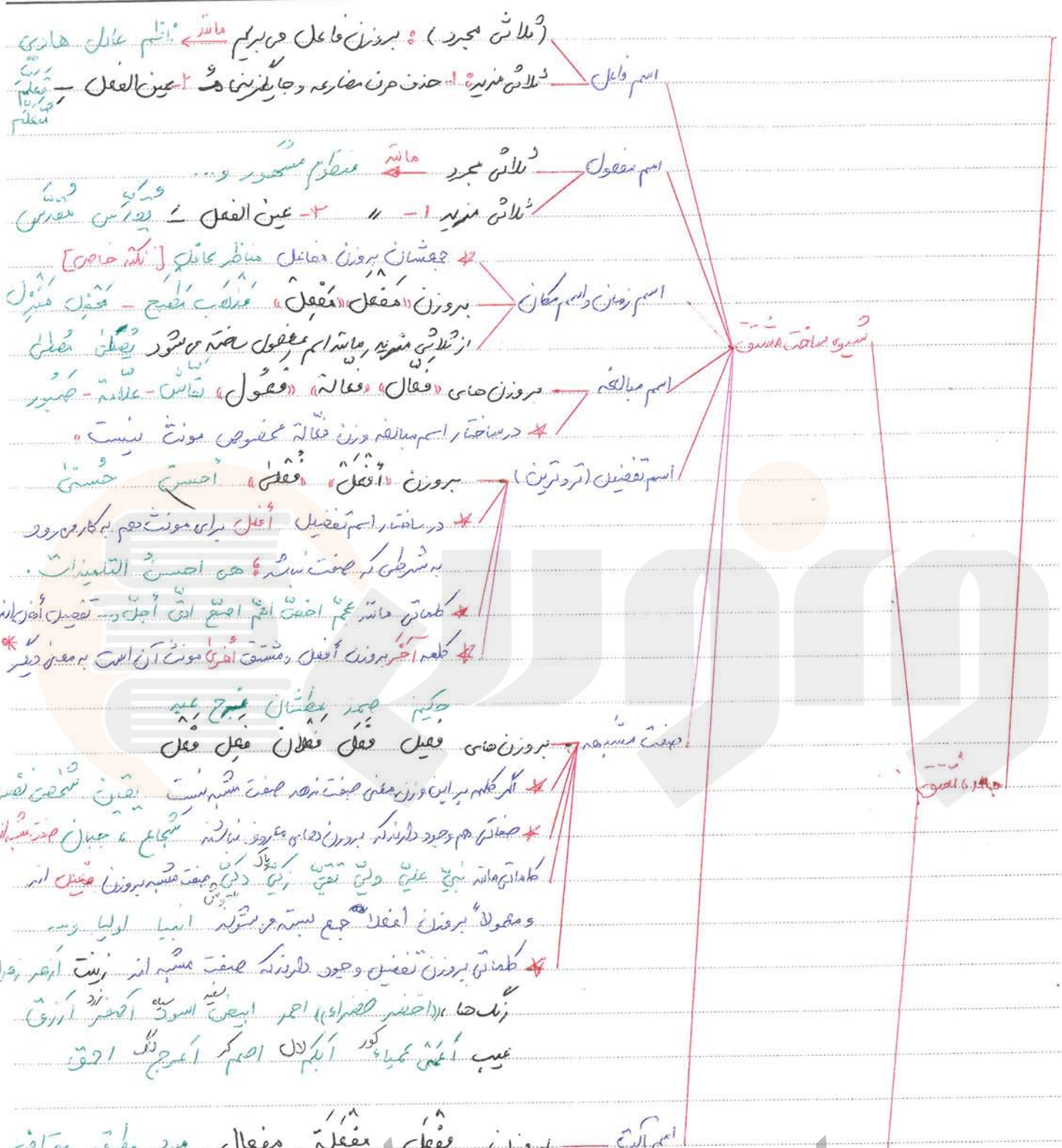
تجزیه

برای پاسخ به بعضی از متن سوال‌ها را یکبار می‌خوانیم متن را با چشم دنبال می‌کنیم و معانی کلمات را بر زبان و آوریم

امیر رمضانی
@venustops
PDFCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

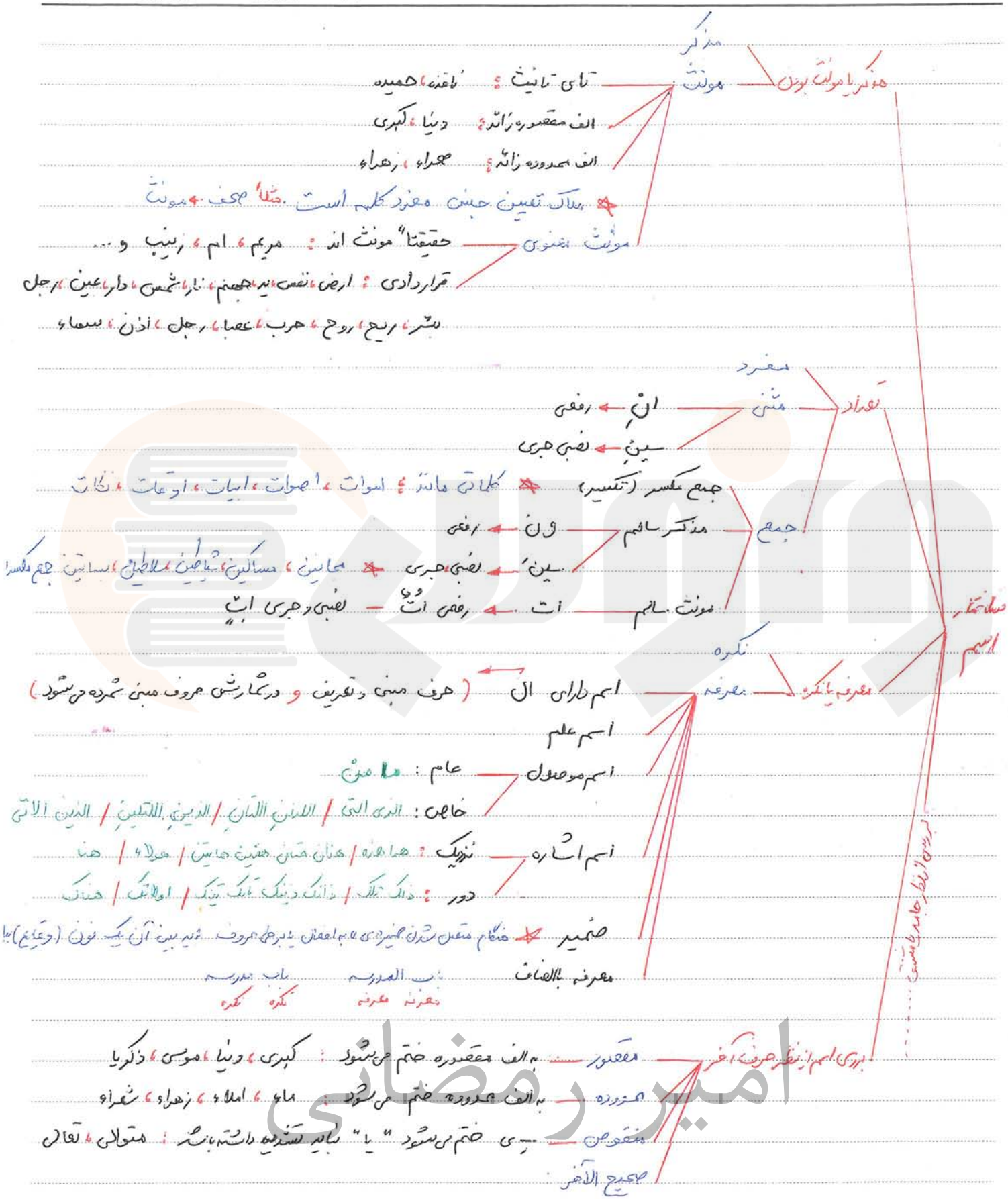
Subject:
Year. Month. Date. ( )



امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )



امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )



امیر رمضانی
@venustops

Subject:
Year. Month. Date. ( )

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

فعل ماضی ← حروف اصلی + ت / تا / ن / ا / و / ی

صیغه ← فعل مضارع ← حروف مضارعه + صیغه ۱ ماضی + ن / ان / ون / ی / ان / ن / ان / ون / ان

علامت رفع: ۱ صیغه ۵ (۱۴ ۱۳ ۷ ۱۴ ۴ ۱ اعراب)
۷ صیغه ثبوت نون اعراب (عربی)
۲ صیغه هدی (عجلی)

امر حاضر (برای مخاطب) ← ۱ حذف حرف مضارعه ت ۲ مجزوم کردن کلمه ۳ اگر کلمه باقی مانده ساکن و عین الفعل ۵ داشت أ اضافه می‌کنیم در غیر این صورت ا در غیر ... ۴

استثناء: فعل امر در باب إفعال با همزه مفتوح شروع می‌شود
تجلسین اجلسی تنظرون أنظروا شاهدوا شاهِدْ
تکرمان أکرما

امر غایب (برای متکلم و غایب) ← لِ + مضارع مجزوم

برون فعل

لازم و متعدی:
فعل لازم به مفعول نیاز ندارد ولی فعل متعدی به مفعول نیاز دارد

راه‌های متعدی کردن:
برون به باب إفعال: بَعُدَ دور شد ← أبعد دور کرد
برون به باب تفعیل: قَرُبَ نزدیک شد ← قرّب نزدیک کرد
افزودن حرف جر پ: ذهب به ... را برد ← أتی به ... را آورد

* چنان چه یک فعل متعدی را به باب افعال ببریم دو مفعولی می‌شود
* همه‌ی فعل‌ها در باب تفعیل متعدی هستند
* جعل رزق وعده وجب ء حسب کسا البس جزا منح آتی أعطی وهب

ثلاثی مجرد: صیغه‌ی ۱ ماضی ۳ حرف دارد
این ۱۵ فعل ثلاثی اللوی خاص هستند و ماضی آن‌ها بر یکی از وزن‌های زیر است

ماضی	مضارع
فَعَلَ	یَفْعَلُ
فَعِلَ	یَفْعَلُ
فَعُلَ	یَفْعُلُ

ثلاثی مزید: صیغه‌ی ۱ ماضی بیش از ۳ حرف دارد
مطابق اللوهای خود ساخته می‌شود

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )

ماضی	مضارع	باب	امر	تعداد حروف اضافه
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	إِفْعَال	أَفْعِلْ	۱
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيل	فَعِّلْ	۱
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَة (فِعَال)	فَاعِلْ	۱
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	۲
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُل	تَفَاعَلْ	۲
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفِعَال	اِنْفَعِلْ	۲
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	افْتِعَال	اِفْتَعِلْ	۲
اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتِفْعَال	اِسْتَفْعِلْ	۳

★ مدار تعیین حروف زائد صیغه از ماضی است
★ در فعل هایی ثلاثی مزید ۳ از ماضی ۳ از امر بیشتر زیادی حرف داریم که باید توجه شود

ارکان:
- فعل + فاعل (برای فعل لازم)
- فعل + مفعول + فاعل (برای فعل متعدی)
- فعل + نائب فاعل (برای فعل مجهول)

★ فاعل همیشه مرفوع و هیچگاه قبل از فعل نمی آید بلکه یکی از سه شکل
- اسم ظاهر
- ضمیر بارز
- ضمیر مستتر

★ هر فعلی که ضمیر بارز داشت فاعلش حتماً همان ضمیر بارز است.
★ صیغه های ۷ ،۱۳ ،۱۴ واجب الستاره هستند (فاعل حتماً ضمیر مستتر)
★ در صیغه های ۱ و ۴ ماضی و مضارع اگر اسم ظاهر بود فاعل ضمیر مستتر «هو، هی» است

جایگاه فاعل:
★ هرگاه فاعل اسم ظاهر باشد فعل باید مفرد استفاده شود
★ چنانچه فاعل جمع غیر عاقل باشد فعل باید به شکل «مفرد مؤنث» بیاید

مفعول: همیشه منصوب است و تولد بعد از فعل و فاعل بیاید

انواع مفعول:
- اسم ظاهر — قَرَأَ الطَّالِبُ الْكِتَابَ
- ضمیر متصل منصوب — ضَرَبَهُ أَبُوهُ
- ضمیر منفصل منصوب — إِيَّاكَ نَعْبُدُ

★ ضمیر «نا» در هردو کاربرد مفعول و فاعلی به کار می رود به طوری که الف آن را حذف کردیم و فعل دچار ایجاد شد.

در غیر این صورت مفعول فاعل؟
- نَعْلَمُنَا — مفعول
- نَعْلَمُنَا — مفعول
- نَعْلَمُنَا — فاعل

امیر رمضانی
@venustops
PDFCO

مبتدا ← اسمی است مرفوع
غالباً معرفه است
معمولاً در ابتدای جمله می آید

ارکان ← خبر مرفوع ← خبر مفرد ← یک اسم می باشد که غالباً «نکره» است و معنای جمله را تمام می کند
خبر جمله ← اسمیه ← تمام جمله اسمیه خبر است ← علیٌ حُرٌّ جنسٌ (خبر)
فعلیه ← فعل خبر است ← علیٌ یذهب الی المکتبة (خبر)
خبر شبه جمله ← جار و مجرور ← الکتابُ علی المنضدة
ظرف مکان - زمان ← الکتابُ عندَ المعلم

جمله اسمیه
جملاتی که با کان و سایر «افعال ناقصه» شروع می شوند اسمیه هستند ← البنون کانوا اخوان الثیاب (خبر (جمله اسمیه))
* هرگاه خبر مفرد مثنی باشد باید از نظر جنس و عدد با مبتدا تطابق کند
* چنانچه در یک عبارت چند شبه جمله داشتیم شبه جمله ای را به عنوان خبر انتخاب می کنیم که معنای جمله را کامل می کند

خبر مقدم - مبتدای موخر
چنانچه خبر شبه جمله باشد می تواند مقدم شود ؟ لله ملک السماوات و الارض
اگر خبر شبه جمله و مبتدا نکره باشد خبر باید مقدم شود ؟ فی الصف تلمیذٌ

پیدا کردن خبر در جمله
اولویت هم است یعنی اول دنبال خبر مفرد بعد خبر جمله در پایان خبر شبه جمله هستیم
* برای پیدا کردن خبر بهتر است نقش های اصلی و فرعی دیگر را بیابیم مثل صفت مبتدا
نقش های فرعی ← اسم ال دار پس از اسم اشاره اگر جامد باشد عطف بیان اگر مشتق صفت
* اسم موصول خاص بلافاصله پس از اسم ال دار صفت است
جمله موصول ← جملات یا شبه جملاتی که پس از اسم موصول بیایند و خاص کنند
* اگر پس از مبتدا به یک ضمیر متصل مرفوعی برسیم آن ضمیر فعل تابع آن است و نباید با چیز دیگری اشتباه شود و اسم بعد از آن خبر است

ذلک الرجل الذی رأیناه فی الشارع لیلة أمس هو المعلم الذی کان یدرس فی مدرستنا فی السنة الماضیة
(مبتدا - عطف بیان - موصول - جار و مجرور - جمله موصول - جار و مجرور - صفت - جار و مجرور - جمله موصول - صفت)

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

و	ـَـ	ـِـ	ـُـ
رفع	نصب	جر	جزم

* جزم مخصوص فعل است ر.ک

اعراب ظاهری لفظی تقدیری

اعراب ظاهری: اصلی — فرعی (نیابی)

کلماتی هستند که به جای گرفتن اعراب اصلی (علامت اصلی) علامت دیگری می‌گیرند

اسم مثنی: رفع «انِ» — نصب و جر «ینِ» — ثابت الظاهر

جمع مونث سالم: در حالت نصبی «ـِـ» می‌گیرد — قرآن مجالات علمیه

جمع مذکر سالم: رفع «ونَ» — نصب و جر «ینَ» — * این اعراب برای کلمه است نه آن را

نباید اعراب فعل اشتباه گرفت

اسماء خمسه: به شرطی که مضاف باشند و م الیه‌شان ضمیری نباشد

در رفع «و» نصب «ا» جر «ي»

اسم غیر منصرف: اگر مضاف نباشه و ال نداشته باشه

در حالت جری «ـَـ» می‌گیرد «ـِـ»

انواع اعراب

اعراب محلی: برای کلمات مبنی — جمله‌ها — شبه جمله‌ها

جو عالم و — محل

حق ینهب إلی البلیة — محل

کلماتی که معرب‌اند اما نمی‌توانند اعراب خود را نشان دهند

اعراب تقدیری: منقوص (اسم): مختوم به الف مقصوره مانند موسی، کبری، دنیا

* در هر سه حالت رفع نصب جر دارای اعراب تقدیری‌اند

شرایط: ۱. آخرش الف باشد ۲. غیر منصرف باشد ۳. مضاف نباشد و ال نداشته باشد

* چنین در هر سه حالت اعرابش تقدیری است؟ کان القرآن هدیً للناس

خبر کان / تقدیراً منصوب

منقوص (اسم): اسم مختوم به (ي) ماقبل مکسور (ـِـ ي) — * حرف ي نباید مشدد باشد

فقط در حالت رفع و جر تقدیری است — رجع المزارعي — سلمت علی القاضي — رأیت الفتا

تقدیراً مرفوع — تقدیراً مجرور — منصوب: اعراب ظاهری

* اسم منقوص اگر شرایط تنوین داشتن را دارا باشد در حالات رفع و جر تنوین جری می‌گیرد و تقدیری

سلمت علی قاضٍ — رجع المزارعٌ — رأیت فتًی

تقدیراً مجرور — تقدیراً مرفوع — ظاهری اصلی

اسم مضاف: ضمیری — هر اسمی که م الیه آن ضمیری باشد و در هر سه حالت اعرابش تقدیری است

* چنین که اسم منقوص

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )

- مرفوع ← علامت رفع
  - اعراب اصلی ← ۵ صیغه ۱، ۲، ۷ و ۱۳، ۱۴ ← و
  - اعراب فرعی ← تمام صیغه‌های جز ۶ و ۱۲ که ثبوت نون در پایانشان علامت اعراب است
  - اعراب محلی ← صیغه ۶ و ۱۲ مبنی‌اند

فعل در حالت کلی مرفوع است و چون مضارع است باید علائم رفع بگیرد

- منصوب ← علامت نصب ← فعل مضارع تحت تأثیر حروف ناصبه منصوب می‌شود و علائم نصب می‌گیرد ← أَنْ، لَنْ، لِـ، کَیْ، حَتّی
  - اعراب اصلی ← ۵ صیغه ۱، ۲، ۷ و ۱۳، ۱۴ ← أ
  - اعراب فرعی ← حذف نون
  - اعراب محلی ← صیغه‌ی ۶ و ۱۲ مبنی‌اند

اگر یک حرف لا بعد از حروف ناصبه بیاید لا غیر عامل است و فعل تحت تأثیر حروف ناصبه منصوب می‌شود ← أَلّا تَشْتَرِیَ ← أَنْ لا تَشْتَرِیَ

- مجزوم ← علامت جزم ← با این حروف چازمه و ادات شرط بر سر فعل مضارع مجزوم می‌شود و علائم جزم می‌گیرد ← لَمّا، لَمْ، لِـ (امر)، لا (نهی)، إِنْ، مَنْ، ما، أَیْنَما، مَتی‌ما
  - اعراب اصلی ← ۵ صیغه ۱، ۲، ۷ و ۱۳، ۱۴ ← ـْ
  - اعراب فرعی ← حذف نون
  - اعراب محلی ← صیغه ۶ و ۱۲ مبنی‌اند

* ادات شرط معمولا دو فعل را مجزوم می‌کند فعل اول فعل شرط فعل دوم جواب شرط نام دارد
* فعل شرط یا جواب شرط یا هردو می‌توانند ماضی باشند که در این صورت محلا مجزوم می‌شوند
* جواب شرط ممکن است اسمیه باشد که در این حالت برای تأکید بیشتر در ابتدای عبارت به کار می‌رود
* أَنْتُمُ الأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ ← إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ فَأَنْتُمُ الأَعْلَوْنَ

انواع لِـ

- حرف ناصبه «لِـ»
  - بلافاصله پس از آن یک فعل مضارع منصوب می‌آید [در هر ۱۴ صیغه]
  - معمولا در وسط جمله می‌آید
  - به معنای کَی، تا، تا اینکه، برای اینکه
- حرف جازمه «لِـ»
  - بلافاصله پس از آن یک فعل مضارع مجزوم می‌آید [غایب و متکلم]
  - معمولا در اول جمله می‌آید
  - به معنای باید
- حرف جر «لِـ» ← بلافاصله پس از آن یک اسم مجرور می‌آید

لِیَذْهَبِ الطُّلّابُ إِلَی المَدْرَسَةِ لِتَعَلُّمِ الدَّرْسِ
↓ جر ↓ جازمه

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

ترکیب‌ها

اضافی (الإضافة)

از دو بخش مضاف [نقش نیست] و مضاف الیه [نقش است مجرور] تشکیل شده که هردو اسم اند و همواره کنار هم می‌آیند

* مضاف نه «تنوین» می‌گیرد و نه «ال»، اسم‌های اشاره، ضمیر و اسم موصول نمی‌تواند مضاف باشد
* یک اسم مثنی یا جمع مذکر سالم اگر مضاف واقع شود نون آن حتماً باید حذف شود: معلمی المدرسة

وصفی (الوصف)

از موصوف [منعوت] و صفت [نعت] (موصوف نقش نیست) تشکیل شده است

صفت نقشی است در چهار مورد از موصوف تبعیت می‌کند

موارد:
- جنس — برای جمع غیر عاقل، صفت به شکل مفرد مونث به کار می‌رود
- تعداد
- معرفه و نکره — صفت در معرفه و نکره بودن از موصوف پیروی می‌کند ← نه در «ال» داشتن
- اعراب — صفت در اعراب (مرفوع، منصوب و مجرور بودن) پیروی می‌کند نه در نوع اعراب

* هرگاه پس از یک اسم نکره کلمه ذو بیاید ذو صفت است — جاء رجلٌ ذو علمٍ (منعوت: رجل، نعت: ذو، م الیه: علم)

جمله وصفیه: جمله‌ای است که ویژگی یک اسم نکره را بیان می‌کند

* از آن‌جا که جمله است محلی تابع منعوت است
* برای ترجمه‌ی آن از که و حاجدول استفاده می‌کنیم [جمله‌ی وصفیه هم اسنید است هم فعلیه]
* [جمله‌ای که بعد از اسم معرفه (علمیه)] یا [ف و واو) جمله‌ی (عاطفه)] یا [پس از اسم موصول (صله)]

رأیتُ رجلاً یتکلّمُ مع نفسه (رأیت: فعل و فاعل، رجلاً: منعوت، یتکلم مع نفسه: جمله وصفیه)

شمارشی (الأعداد)

۱ و ۲: این دو عدد در نقش صفت هستند (آگر کنار معدود بیایند)
کتابٌ واحدٌ عندی * بعد از معدود به کار می‌روند

۳ تا ۱۰:
* این اعداد صفت نیستند و با توجه به جایگاهشان اعراب می‌گیرند
* ال و تنوین نمی‌گیرند
* معدود این اعداد معمولاً «تمییز» هستند
* این اعداد با معدود خود از نظر جنس مخالف (نه به شکل جمع با تنوین نصب می‌آیند)

۱۱ و ۱۲: قبل از معدود می‌آیند و نقش می‌گیرند علامت اعراب در جزء اول عدد نمایش داده می‌شود
* از نظر جنس موافق معدود اند
* معدود این اعداد معمولاً «مواقف» است و به شکل مفرد با تنوین نصب می‌آید

ترتیبی

این اعداد برای بیان ترتیب و همچنین ساعت استفاده می‌شوند

* جزء الأول، بقیه هم بروزن فاعل اند
* این اعداد صفت اند (آگر کنار معدود به کار رفته باشند)

الساعة السابعة

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

المبني للمجهول
- ماضی ← هر فعل ماضی که با ـُ شروع شود مجهول است جز أُجوف ها
- مضارع ← هر فعل مضارعی که با ـُ شروع شود و عین الفعل آن ـَ داشته باشد مجهول است
- روش ساخت
  - ماضی ← عین الفعل را ـِ می دهیم
    - اِسْتَخْرَجَ ← اُسْتُخْرِجَ
    - تمام حروف صدادار قبل از عین الفعل را ـُ می دهیم
  - مضارع ← عین الفعل را ـُ می دهیم
    - یَسْتَخْرِجُ ← یُسْتَخْرَجُ
    - فقط حرف مضارعه را ـُ می دهیم
- مراحل تبدیل جمله
  - حذف فاعل
  - تبدیل مفعول به نائب فاعل ← اگر مفعول منصوب صفت داشته باشد باید آن را هم مرفوع کرد
  - ساخت فعل مجهول
  - تطبیق آن با نائب فاعل
- نکات
  - در ست ها هنگام تبدیل جمله ی معلوم به مجهول و یا برعکس باید به عدم تغییر زمان فعل دقت شود
  - در جمله هایی دو مفعولی مفعول اول را نائب فاعل و دومی را به عنوان مفعول می آوریم
  - اگر مفعول ضمیر متصل منفصلی باشد برای مجهول کردن صیغه ابتدا باید به صیغه ضمیری برگردیم (علم الله ← عُلِّمَ)
  - هرگاه ضمیر متصل منصوبی به یک فعل بچسبد حتماً نقش مفعول دارد و فعل مجهول نیست.

هدم الأعداءُ مُدُنًا كثيرةً و خُرِّبَتْ المصانعُ ← هُدِّمَتْ مُدُنٌ كثيرةٌ و خُرِّبَتِ المصانعُ

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

دسته‌ای از کلمات هستند که بر سر جمله‌ی اسمیه می‌آیند و خبر را منصوب، مبتدا را مرفوع نگه می‌دارند

* در این حالت مبتدا را اسم افعال ناقصه و خبر را خبر افعال ناقصه می‌نامیم

کانَ لَیسَ صارَ اَصبحَ مادامَ مازال

افعال ناقصه ← افعال ناقصه در ۱۲ صیغه صرف می‌شود [کان صار اصبح در حالت امر و مضارع هم خبر را منصوب می‌کنند]

* اسم افعال ناقصه می‌تواند به سه شکل اسم ظاهر ضمیر بارز و مستتر بیاید: هی لیست فی غرفته

اسم این، نون مع جارومجرور خبر لیس

حروف مشبه بالفعل ← برسر جملات اسمیه می‌آید مبتدا را منصوب می‌کند و خبر مرفوع می‌ماند

* مبتدا را ... خبر را ...

اِنَّ اَنَّ کَأَنَّ لَیتَ لٰکِنَّ لَعَلَّ

* خبر حروف مشبهة بالفعل ممکن است مفرد جمله شبه جمله و همچین مقدم باشد ← اِنَّ المتقین ... اِنَّ اللهَ قدیرٌ لعلکم تتفکرون کأنّها فی الغرفة

* اسم حروف مشبه بالفعل می‌تواند اسم ظاهر ضمیر متصل منصوب

اِنَّ اللهَ

لا نفی جنس ← برسر جملات اسمیه می‌آید مبتدا را منصوب می‌کند و خبر مرفوع می‌ماند

مبتدا را ... خبر را ...

اسم لا نفی جنس نقشش است مبنی علی الفتح یعنی هر اسم معربی در این جایگاه قرار گیرد مبنی علی الفتح می‌شود

* چون مبنی است تنوین و ال نمی‌گیرد

* اسم لا نفی جنس باید نکره باشه به دیگره در تست ها دقت کنیم مضاف به اضافه نباشه لا انفاقَ المالُ لله

تخصیص ← بلافاصله پس از لا نفی جنس یک اسم نکره بدون تنوین و ال می‌آید

خبر لای نفی جنس مقدم نمی‌شود

خبر لای نفی جنس ممکن است محذوف به قرینه‌ی لفظی یا معنوی باشه ← معمولاً زمانی که لا اهلیم حذف به قرینه معنوی داریم

لا سیف الا ذوالفقار لا خیر فی الکذب و لا نجاة

ما کافّه ← هرگاه حرف ما به حروف مشبهه بالفعل وصل شود تأثیر حروف مشبهة بالفعل را از بین می‌برد

اِنَّ اللهَ قدیرٌ ← اِنَّما اللهُ قدیرٌ

امیر رمضانی
@venustops

Subject:
Year. Month. Date. ( )

انواع من
- اسم موصول من — غیر عامل و معمولاً در وسط جمله می آید — معرفه ← کسانی که ← کسی که
- اسم استفهام من — غیر عامل و در ابتدای جمله ی پرسشی می آید — نکره ← چه کسی؟ ← مَن
- اسم شرط من — عامل جزم و معمولاً در ابتدای جمله می آید — نکره ← هرکس

ما
- اسم موصول ما — غیر عامل — معمولاً وسط جمله می آید — معرفه ← چیزی که ← چیزهایی که
- اسم استفهام ما — غیر عامل — در ابتدای جمله ی پرسشی می آید — نکره ← چه چیزی؟
- اسم شرط ما — عامل جزم — معمولاً ابتدای جمله می آید — نکره ← هرچیزی
- حرف نافیه — غیر عامل — بر سر فعل ماضی می آید و آن را منفی می کند
- حرف ما کافه — غیر عامل — تأثیر حروف مشبهه بالفعل را از بین می برد
- حرف ما تعجب — " — ما أجمل هذه المناظر
- ما شبیه لیس — " — وما المال والأهلون إلا ودائع

و
- واو حالیه — غیر عامل
- واو عطف — غیر عامل
- واو قسم — عامل — جر

لا
- لا نافیه — غیر عامل و بر سر فعل مضارع می آید و منفی می کند
- لا ناهیه — عامل جزم و بر سر فعل مضارع می آید و آن را مجزوم می کند و امر منفی می سازد
- لای عاطفه — غیر عامل و معنایی نه می دهد
- لای نفی جنس / لای تبرئه — عامل مبنی علی الفتح

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

* تنوین نصب را در برای همه کلمات روی ا یا ی بیاریم مگر ة یا ء

مفعول مطلق تأکیدی

برای ساخت مفعول مطلق تأکیدی از مصدر نکره و منصوب فعل جمله استفاده می‌کنیم

* در ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی از عبارت‌های تأکید استفاده می‌کنیم مانند بدون شک قطعاً
* المفعول المطلق للتأکید ... بیان تأکید علی وقوع الفعل ... لرفع الشک عن الوقوع فعل

مفعول مطلق نوعی (بیانی)

برای بیان چگونگی انجام فعل در جمله به کار می‌رود

ساخت: مصدر منصوب از فعل جمله

مصادر من ثلاثة أفعال ↔ تفعیل

* در مفعول مطلق می‌توانیم مصدرها را جمع ببندیم برای مصدرهای ۳ حرفی به بالا با [ات]

ترجمه:
- صفت: باید صفت را به شکل عبارت بیان ترجمه کرد مانند به خوبی به زیبایی به آهستگی
- حرالیم: برای ترجمه از کلمات شبه مانند همچون استفاده می‌کنیم

* در حالتی که مفعول مطلق نوعی با صفت است بیشتر شدیم کثیر ممکن است مصدر حذف شود و این حالت آن را صفت جانشین مفعول مطلق یا مفعول مطلق بیانی می‌نامیم

مفعول مطلق [فعل محذوف]

مصادری هستند که اغلب به صورت نکره و به تنهایی در جمله بکار می‌روند که غالباً معنای امر می‌دهند

به عبارت دیگر مصادر منصوب ابتدای جمله امر: یا تلامیذی! اجتهدوا اجتهاداً کثیراً

بعضی از این مصادر تبدیل به اصطلاح شده‌اند!

* حقاً، حتماً، أیضاً، جداً، شکراً، عفواً، مغفرة، عدلاً، سبحان ...

مفعول فیه

یک نقش منصوب شبیه به قید مکان و زمان در فارسی است

* هر اسمی که مفهوم مکان یا زمان به همراه مفعول فیه است اگر نقش دیگری نداشته باشد

اگر خواستیم ظرف بیان یا نبودن یک اسم در اول جمله را بسنجیم آن را حذف می‌کنیم اگر جمله معنادار بود مفعول فیه است

* باید دقت کرد که مفعول فیه را با مفعول به یکی اشتباه نگیریم مفعول به را طه

ظروف مکان: فوق، تحت، أمام، خلف، وراء، إزاء، مقابل، عند، لدی، حول، نحو، خلال، بین، یمین، یسار، مع، أین، هناک، هنا، أینما، حیث، قرب، جنب،

ظروف زمان: قبل، بعد، حین، عند، لدی، الآن، یوم، الیوم، لیلاً، أمس، غداً، الیلة، نهاراً، أولاً، صباحاً، مساءً، الربیع، الصیف، الخریف، الشتاء، دوماً، أبداً، دائماً، إذا، کلما، متی، أخیر

* اگر در یک جمله اسمی ظرف مکان یا زمان خبر شبه جمله باشد با بیاریم نقش اش خبر است می‌گوییم مفعول فیه طرف

الجنة تحت أقدام الأمهات

* ضمایر مفعول له کلمات ... کل بعض جمع ... و اعداد ترتیبی مرتبط مصدر ۳ ظرف زمان و مکان بیاد جمله

مفعول فیه و منصوب است یذهب إلی المکتب ثلاثة أیام فی الأسبوع
صدیقی یذهب إلی المسجد کل أسبوع

امیر رمضانی
@venustops
PDPCO

حال

یک نقش منصوب است و حالت اسم را بیان می کند همان مفرد یک اسم منتقل و نکره منصوب است

ذوالحال ← اسمی است که به وسیله‌ی آن حالت آن نشان داده می شود و از نظر جنس و عدد با ذوالحال مطابقت می کند

لـ اولین خبر یا اسمی که همان مرجع است ← و ذهبت التلمیذات الی البیت مسرورات

* برای ترجمه‌ی حال در زبان فارسی از قید استفاده می کنیم ← ضاحکاً: خندان / با خنده
* کلمه‌ی وحده به معنای تنها می باشد و اگر به ضمیر متصل شود می تواند در نقش حال قرار گیرد ← رجعت أنا وحدها
* کلمه‌ی معاً به معنای با یکدیگر اسم جامدی است که حال مفرد است ← سنشترک معاً في الحفلة الکریم
* بعضی اسم های مشتق ترکیب اضافی با یک اسم دیگر یک اصطلاح می سازند فقط جزء اول حال است ← قمیص القلب رقیق القلب

حال مفرد ۳ الیه حال مفرد م الیه

سخی الکف عظیم الشأن مرفوع الرأس

جمله حالیه

هرگاه پس از پایان یا متن یک جمله آمن ارکان اصلی آن جمله‌ی دیگری بیاید که درباره‌ی یک اسم معرفه حاقی را بیان کند

* جمله حالیه محلاً منصوب است ممکن است فعلیه و یا اسمیه باشد
* اگر جمله‌ی حالیه اسمیه باشد یا قد + فعل ماضی یا لم و لما + مضارع مجزوم شروع شود واو حالیه می گیرد
* در جمله‌ی حالیه ممکن است دوالی ل وجود نداشته باشد ← کان الرجل من العیاء والشمس محترقة

تمییز

یک نقش منصوب نکره و غالباً جامد است که برای رفع ابهام به کار می رود و معمولاً در پاسخ به سوالاتی مثل از چه نظر و... عبارتی که در آن اسم تفضیل به کار رفته باشد ← أنت أحسن التلمیذ خلقاً ← خلق و شیم جایی که برای تفضیل باشد

عبارتی که در آن ها اعداد شمارشی سر و بالاتر به کار رفته باشد ← انی رأیت احدعشر کوکباً ← به تمییز نیاز دارند

بعد مقیاس ها و اندازه گیری ← کأس، قدح، کوب، فنجان، کیل، کیلو، مثقال، ذره، صندوق، متر

فعل هایی که نیاز به رفع ابهام دارند ← حَسُنَ، طابَ، کَثُرَ، رَجُحَ، مَلأَ، ازداد، تقدَّم، ارتفع

ترجمه

برای ترجمه‌ی تمییز از عبارات از نظر - از جهت - از ... استفاده می شود

* هرگاه تمییز به همراه اسم تفضیل به کار رفته باشد ← می توان آن را در قالب یک کلمه ترجمه کرد
  می توان به صورت مقیدا ترجمه کرد
  انت اکثر منی مالاً ← ثروت تو از من بیشتر است [مالک اکثر منی] ← تو از من ثروتمند تری
* هرگاه تمییز پس از فاعل و مفعول به کار رفته باشد می توانیم آن را به شکل آن دو ترجمه کنیم

حَسُنَ التلمیذ درساً ← دانش آموز از نظر درس خوب شد
درس دانش آموز خوب شد [حَسُنَ درس التلمیذ]

رجح هذا الکتاب قیمة ← او این کتاب را از نظر قیمت ترجیح داد
او قیمت این کتاب را ترجیح داد [او رجح قیمة هذا الکتاب]

امیر رمضانی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

منصوبات

ارکان استثناء: أداته — إلا (غیر عامل)
مستثنی منه — اسم یا جار و مجروری که در جمله‌ی قبل از إلا به کار می‌رود
* نقش محسوب نمی‌شود و معمولاً "خودش از نقش‌های اصلی جمله است"
* باید از نظر مفهوم بیش از یک باشد [جمع باشد، نکره باشد، اسم جنس]
مستثنی — یک نقش منصوب است [در غیر مفرغ] ما رأیت أحداً في الغرفة إلا رجلاً (۳ / منصوب — ۳۳ / مفعول به)
اسم یا جار و مجروری است که بعد از إلا می‌آید
* مستثنی و مستثنی منه باید از یک سنخ و دیگ خونه باشند [هر دو جار و مجرور]

استثناء

انواع:
استثناء تام (غیر مفرغ) — هر سه رکن استثناء در جمله ذکر شده است
مفرغ — مستثنی منه از جمله حذف شده است و جمله‌ی قبل إلا از نظر معنا و ارکان کامل نیست
* آنچه بعد از إلا می‌آید مستثنی مفرغ است و اعراب مستثنی منه حذف شده را طلب
* مستثنی مفرغ فقط در جملات منفی یا سوالی دیده می‌شود
* گاهی ممکن است غیر فعل مستثنی منه باشد در صورتی که معنای جمله هد
* إلا به معنی جز و مگر است اما در استثنا مفرغ می‌توان آن را به صورت بست یا فقط تنها ترجمه کرد به شرط آن که قید حاصر در جای خود درست بیاید

ما یقول المؤمن إلا الحق (۳۳ / منصوب)
ما خرج من المدرسة إلا علی (۳۳ / مجرور)
هل کانت نتیجة العمل إلا ما یرضاه (۳۳ / منصوب محلاً / خبر کان)

منادی

یک نقش منصوب است اسمی که مورد ندا قرار می‌گیرد
اگر حرف یا در جمله به کار رفته باشد بلافاصله پس از آن است ← یا ممکن است بیاید [جز برای شبه مضاف] (امیر نخی حایه)
همواره با مضاف الیه به کار می‌رود و یکی از علائم نصب را می‌گیرد " "

منادای مضاف:
یا معلمی المدرسة — یا صدیقَ — یا والدیَّ — یا أبا الفضل
(فرعی منصوب با یاء — تقدیراً منصوب — فرعی منصوب یاء — فرعی منصوب)
* حذف نون در جمع و مثنی واجب است

منادای علم:
در آن یک اسم علم مورد ندا قرار گرفته است — یا الله [اللهم] (میم بدل از یا) یا أحمدُ یا قادرُ
* نقش منادای علم و نکره مقصوده مبنی علی الضم و محلا منصوب است

منادای نکره مقصوده:
منادای علمی است که علم نباشد — یا تلمیذُ یا رجلُ یا سابقُ
* چنانچه بخواهیم یک اسم مثنی یا جمع را به کار ببریم چون مبنی علی الضم نمی‌شود مرفوع می‌کنیم
یا طالبانِ یا مؤمنونَ

منادای شبه مضاف:
هرگاه پس از حرف ندای یا اسمی با تنوین نصب بیاید و پس از آن جمله باشد در توصیف و توضیح آن اسم به کار رود آن را منادای شبه مضاف می‌نامند و منصوب
یا خبیراً بفقری — یا وجیهاً عند الله — یا تلمیذاً لا یشکو

* چنانچه بخواهیم یک اسم الف و لام دار را مورد ندا قرار دهیم قبل آن حتماً یا می‌آوریم و این منادای مقصوده می‌باشد یا ایها الصا
* در منادای مضاف الیه ضمیری باشد که در این حالت ما را منادا مضاف و تقدیراً منصوب است یا ربّ یا ربّ
یا أبتِ یا أمّ

امیر رضائی
@venustops

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰



امیر رمضانی

@venustops